

نویافته‌های بقایای معماری اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلامی در حوضه رودخانه سیمره (زاگرس مرکزی)

مهناز شریفی^۱ * (نویسنده مسئول)

^۱ استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۶

چکیده

حکومت ساسانی در دوران میانی و اواخر حکومت از زمان شاپور دوم به تدریج مرکزیت سیاسی خود را از فارس به سرزمین باز و استراتژیک بین‌النهرین انتقال داد. قطعاً هدف از این انتقال مرکز قدرت، تسلط بیشتر بر مرزهای غربی و سرزمین‌های حاصل‌خیز عراق و خوزستان بوده است. دره‌های زاگرس مرکزی به عنوان نزدیک‌ترین مناطق مرتفع به مرکزیت سیاسی در این دوره به شدت مورد توجه واقع شدند که از جمله این دلایل، واقع شدن در مسیر شاهراه ارتباطی بین مرکزیت امپراتوری با مرکزیت سیاسی، حاصل‌خیزی و تنوع زیست‌محیطی را می‌توان برشمرد. وجود استقرارهایی از دوره ساسانی با تراکم نسبتاً بالاتر از حد توان زیست‌محیطی، واقع شدن در دره‌های طبیعی غیر قابل دسترس، دوری از مسیر راه‌های ارتباطی اصلی و از همه مهم‌تر ایجاد یک‌باره و همزمان آنها، نشان‌دهنده حضور مردمانی است که به دور از تیررس اعراب به مقاومت پراکنده و ادامه حیات خود ادامه داده‌اند، (به طوری که تمام این محوطه‌ها بر روی خاک بکر و نه در راستای تداوم استقرار از دوره قبل بنا شده‌اند). کاوش‌های جدید باستان‌شناسی منجر به نمایان شدن بخشی از بقایای معماری مربوط به خانه‌های اعیانی - اشرافی و خانه‌های مسکونی شد. در این مقاله برآنیم که علاوه بر ارزیابی کارکرد و قدمت محوطه‌های نویافته به پرسش‌هایی از جمله چگونگی ارتباط بین بناهای اربابی هم‌دوره در منطقه سیمره بپردازیم. نتایج به‌دست آمده نشانگر تداوم استقرار از دوره ساسانی تا اوایل اسلام در این بناهاست که مدارک سفالین دلیلی محکم بر تأیید این تاریخ‌گذاری است. لذا این نوشتار تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که کارکرد بقایای معماری به‌دست آمده چیست و متعلق به کدام فاز زمانی است؟ پژوهش حاضر بر مبنای کاوش‌های باستان‌شناسی طی سال‌های اخیر صورت گرفته و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، سعی در تبیین آثار معماری دارد.

واژگان کلیدی: بناهای اربابی، دره سیمره، زاگرس مرکزی، معماری ساسانی - اسلامی.

دیده می‌شود. از این رو در ارتباط با این گونه معماری هیچ نوع سبک‌شناسی مشخصی وجود ندارد. فقدان کاوش‌های گسترده، وجود تنوع زیست‌محیطی و سنت‌های متفاوت، شناخت معماری طبقه متوسط این دوره را دشوار می‌سازد (محمدی ۱۳۹۰: ۸۸). در این بین مطالعات حوضه سیمره در زاگرس مرکزی به تنهایی می‌تواند مصداق بارز ویژگی‌های معماری ساسانی- صدر اسلام باشد و خلأ موجود در این زمینه را مرتفع نماید؛ لذا پژوهش‌های اخیر در دره سیمره می‌تواند باب جدیدی در این زمینه بگشاید.

معرفی موضوع و اهداف

رودخانه سیمره که به صورت یک حائل طبیعی در حد فاصل استان‌های ایلام و لرستان قرار دارد، شرایط بسیار مساعد زیستی را در دره‌ها و دشت‌های میان‌کوهی زاگرس مرکزی ایجاد نموده و باعث شده بسیاری از استقرارها در حاشیه آن شکل بگیرد. البته مسیرهای صعب‌العبور و ارتفاعات از میزان ارتباطات آن کاسته و موجب شکل‌گیری فرهنگ‌های بومی و محلی در این منطقه شده است. در این مقاله با توجه به جدیدترین اطلاعات حاصل از شواهد باستان‌شناسی کشف شده در سال‌های اخیر در دره سیمره که صرفاً بر کاوش استوار است، به چگونگی و تبیین شیوه‌های معماری اعیانی ساسانی می‌پردازیم و ویژگی‌های آنها را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. هدف از این پژوهش، خواناسازی بافتار معماری، تعیین کاربری بافت معماری و برآورد مساحت و حدود گستره بناهای مکشوفه است. بسیاری از شهرها و محوطه‌های ساسانی پس از تسلط اعراب به سکونت خود ادامه دادند و در دوران اسلامی و حتی تا سده‌های میانی اسلامی مورد استقرار متناوب قرار گرفتند.

پرسش‌های پژوهش

عمده مدارک باستان‌شناسی و مدارک تاریخی نشان از تمرکز آثار دوران ساسانی در غرب ایران دارد. چه بسا این منطقه به دلیل نزدیکی به تیسفون به عنوان مرکز سیاسی ساسانیان و همچنین به دلیل شرایط مطلوب زیست‌محیطی مورد توجه پادشاهان دوران میانه و متأخر ساسانی بوده است. برای مثال وجود آثاری مانند طاق بستان (Overlaet, 2013)، شهر ساسانی- اسلامی سیمره معروف به مهرجان قذق (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۲-۱۲۲ و ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۸۹)، بقایای کاخ‌ها و آتشکده خسرو در سرپل ذهاب و صدها اثر شناخته شده دیگر نشان دهنده اهمیت این منطقه در دوران ساسانی است. بر این اساس در محوطه‌های دره سیمره که به عنوان یک مرکز استقرار دوره ساسانی وجود داشته، پرسش‌های اساسی مطرح می‌گردد که کاربری بناها چه بوده است؟ همچنین باید مشخص گردد که اولاً نحوه شکل‌گیری بناهای اربابی و خانه‌های اعیانی و مسکونی و ارتباط آنها به چه صورت بوده؟ ثانیاً مهم‌ترین

ساسانیان آخرین پادشاهی ایران قبل از ظهور اسلام بودند (Wieschofer, 1996). این حکومت به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخی ایران بوده و آخرین امپراتوری بزرگ ایران قبل از فتح مسلمانان و پذیرش اسلام است (Hourani, 1991: 87). این شاهنشاهی یکپارچه را اردشیر بابکان با شکست اردوان چهارم، آخرین شاهنشاه اشکانی بنا کرد و ایران را مجدداً پس از سقوط هخامنشیان برای نخستین بار یکپارچه ساخته و زیر فرمان تنها یک دولت شاهنشاهی درآورد (کریستین سن، ۱۳۸۵: ۱۰). در سال ۱۴ هجری برابر با ۶۳۶ م در جنگ قادسیه، لشکریان عرب در نبردی سرنوشت‌ساز بر لشکر ایرانیان به فرماندهی رستم فرخزاد پیروز گشتند. به دنبال این شکست، شهر مدائن پایتخت ساسانیان سقوط کرد و یزگرد سوم به مرکز ایران عقب‌نشینی نمود. در سال ۲۱ ه. در نزدیکی نهاوند سپاهیان ساسانی در برابر اعراب صف‌آرایی کردند. در این جنگ نیز لشکر ساسانیان شکست خورده و یزگرد سوم به شمال خراسان فرار نمود. این آخرین مقاومت قابل توجه در برابر اعراب بود، پس از آن فاتحان وارد ایران شدند و یکی پس از دیگری شهرها و آبادی‌ها به دست آنها فتح گردیده و سقوط کردند (آرژمانی، ۱۳۷۰: ۱۱)؛ اما شواهد باستان‌شناسی دره سیمره در زاگرس مرکزی گویای این مسئله است که شهرها و استقرارهای ساسانی این نقطه پس از تسلط اعراب به حیات خود ادامه داده و به عنوان پناهگاهی امن برای استقرار و سکونت شاهزادگان ساسانی مورد استفاده قرار گرفت. در دوره ساسانی شهرسازی گسترش فراوانی داشته است (محمدی فر، ۱۳۹۴: ۴۵). شهرهایی که در این دوره ساخته شدند، بیشتر دارای انگیزه‌های سیاسی-اداری بوده (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۲) و به شهرهای شاهی معروف بودند. آنچه که معماری به ما می‌نماید، نمایی است از اجتماع، اقتصاد، مذهب و فرهنگ جامعه انسانی که بنا در آن شکل گرفته است (محمدی فر و میرصفدری، ۱۳۹۳: ۱۹). در اینجا می‌بایست به این نکته اشاره نماییم که هرگاه از کاخ‌های سلطنتی به شهرهای کوچک و اقامت‌گاه‌های ساسانی می‌رسیم، مشخص می‌شود که این مناطق تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند (شپیمان، ۱۳۸۴: ۱۳۲). تاکنون تمرکز مطالعات صورت گرفته بیشتر بر کاخ‌ها و بناهای مذهبی ساسانیان (Boyce, 1975) و آتشکده‌ها (Hozhabri, 2013) بوده است. از این دوره کاخ‌ها و بناهای شکوهمند زیادی از جمله کاخ اردشیر اول در فیروزآباد، تیسفون (Reuther, 1929; Morony, 2009)، تخت سلیمان (Huff, 1987: 37)، قصر شیرین (Rether, 1939: 553)، بیشاپور (گیریشمن، ۱۳۷۰: ۱۳۹)، معبد آناهیتا (سرفراز، ۱۳۶۶: ۲۵) و حاجی‌آباد (Azarnoosh, 1994) به جا مانده است. با توجه به اهمیت و عظمت حکومت ساسانی متأسفانه تاکنون شناخت جامعی از بناهای اعیانی و کوشک‌های کوچک‌تر نداریم و این ابهام در معماری مسکونی این دوره نیز

عوامل موثر بر شکل‌گیری یک الگوی مداوم معماری اعیانی در دوره ساسانی و اوایل اسلام کدام است؟

روش و ماهیت پژوهش

مبنای این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است و بر اساس نتایجی است که از کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته. رویکرد مقاله این است که آخرین دستاوردها در خصوص بقایای معماری ساسانی و اوایل اسلامی را ارائه دهد تا بتوان مطالعات تطبیقی و گاه‌نگاری این حوزه با محوطه‌های همزمان را مورد تبیین و سنجش قرار داد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در سیمیره انجام پذیرفته است. استارک در سال ۱۹۲۷ از سیمیره بازدید می‌کند (استارک، ۱۳۶۴: ۱۱۸). در سال ۱۳۷۴ معتمدی، کاوش دره‌شهر را آغاز و لک‌پور کاوش را تا نه فصل ادامه می‌دهد و به نتایج ارزنده‌ای دست می‌یابد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳). ادامه پژوهش توسط فریادیان انجام می‌شود. کاوش‌های نجات‌بخشی ناشی از آبیگری سد سیمیره از سال ۱۳۸۹ آغاز شده و تا سال ۱۳۹۵ ادامه می‌یابد. طی آبیگری سد سیمیره محوطه‌هایی چون فلاگوری، لار، روئه و چم‌روئه غرقاب گردیدند. ادامه کاوش‌ها در محوطه لار که توسط آندره گدار در سال ۱۳۱۰ ثبت و به عنوان شکارگاه سلطنتی معرفی شده بود، در سال ۱۳۹۰ توسط عباس مترجم آغاز شد و بخشی از یک بنای ساسانی و اوایل اسلامی به دست آمد (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۵). همچنین در بررسی‌های انجام شده در روئه آثاری از استقرارها و بناهای ساسانی کشف شد (نیاکان، ۱۳۹۸).

مبانی نظری

جغرافیای تاریخی سیمیره

تمامی محوطه‌های باستانی سیمیره در مسیر یا نزدیک معابر طبیعی مانند مسیر جاده بزرگ خراسان هستند؛ زیرا این جاده یکی از شاهراه‌های ارتباطی باستانی بوده که از بین‌النهرین آغاز شده و با عبور از زاگرس مرکزی به فلات ایران در شرق می‌رسد و نهایتاً به چین ختم می‌شود (Christian, 2000: 25). ساکنان محوطه‌های مرتبط با این مسیر می‌توانسته‌اند از مزایای نزدیکی به این شاهراه، نظیر تبادل محصولات استفاده کنند (Levin and Young, 1986: 33; Henrickson, 1983: 15). با عنایت به اینکه سیمیره در مسیر مبادلات قرار داشته و به دلیل ویژگی‌های سوق‌الجیشی، همواره در دوران تاریخی مورد سکونت قرار گرفته است. در رابطه با پیشینه تاریخی سیمیره مورخان زیادی از منطقه یاد کرده‌اند (از جمله: ابوالفدا، ۱۳۴۹؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰ و مقدسی، ۱۳۶۱). حمدالله مستوفی در شرح ایالت جبال می‌نویسد که در باختر لر کوچک،

در مرز عراق عرب دو ولایت ماسبدان و مهرجان قذق قرار دارد که مهم‌ترین شهرهای آنها سیروان و سیمیره بوده و هنوز خرابه‌های آن دو شهر باقی است. سیروان به گفته ابن حوقل شهری کوچک و غالب ابنیه‌اش از گچ و سنگ است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۱۷). سیمیره مرکز ایالت مهرجان قذق بوده و بنا به گفته مقدسی، دژی متعلق به هرمزان، آخرین حاکم ساسانی، در آن قرار داشته و هرمزان گاهی در آن اقامت می‌کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱). راولینسون معتقد است، دژ محکمی که در کوه‌های شرق تیسفون وجود داشته و خسروپرویز به هنگام تهدید تیسفون از طرف امپراتور هراکلیوس، زنان و فرزندان خود را به آنجا منتقل کرده، در سیمیره قرار داشته است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۶). باید گفت کشف سکه‌های مربوط به خسروپرویز در دره سیمیره توسط دمرگان بر اظهارات راولینسون صحه می‌گذارد (دمرگان، ۱۳۳۹: ۲۵۲، حسن‌پور، ۱۳۹۴). نوشته‌های مورخان در مورد ورود اعراب به این ناحیه با هم اختلاف دارند و بر این عقیده بودند که لشکر اسلام به سرداری میسر ابن ابومسلم با ساکنان ماسبدان و سیمیره جنگیده و از دو طرف عده‌ای به هلاکت رسیده‌اند. دینوری مسیر حمله مسلمانان و تصرف سیمیره را از سمت خوزستان بیان کرده است (دینوری، ۱۳۸۴: ۱۶۷). با اینکه در حمله اعراب خسارت شدیدی به این شهر وارد آمد، ولی دوباره آباد شده و در دوره‌های اولیه اسلامی، معماری دوره ساسانی با بازسازی و تغییر شکل آن مورد استفاده مجدد قرار گرفته، تا اینکه زلزله‌ای هولناک آن را به طور کامل از بین برده است. این زمین لغزش که در محل تلاقی دو رودخانه سیمیره و کشکان رخ داده، از بزرگ‌ترین زمین لغزش‌های ایران است (سیاپور و قبادی، ۱۳۷۸؛ شایان، ۱۳۸۳ و Bloom, 1978). تاریخ دقیق این زلزله با توجه به آزمایش‌های سن سنجی صورت گرفته از رسوبات اعماق دریاچه سیمیره ۱۵۷۰۰-۲۵۰۰ برآورد شده (مالکی و بحرالعلومی، ۱۳۸۷). مسعودی در این باره می‌نویسد: «در دی ماه سال ۳۳۴ ه. در سیمیره زلزله‌ای پدید آمد و آن شهر را ویران کرده است». مؤلف الکامل فی‌التاریخ در توصیف این رخداد و چگونگی آن چنین نوشته است: «که در هنگام زلزله در سیمیره صدایی عظیم بلند شد». ابن اثیر و حمزه اصفهانی نیز تاریخ زلزله را ۲۵۸ ه. ذکر کرده‌اند (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

استقرارهای ساسانی-اسلامی دره سیمیره

در این مبحث ابتدا به توصیف مختصری از بناهایی پرداخته می‌شود که طی سال‌های اخیر بخش کوچکی از آنها از دل کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده؛ سپس به مطالعه تطبیقی و گاه‌نگاری مقایسه‌ای بقایای معماری سیمیره می‌پردازیم.

شهر برزقواله

شهر بزرگ برزقواله در حاشیه رودخانه سیمیره قرار گرفته که صرفاً خانه‌ای اربابی از این شهر مورد کاوش قرار گرفت و از نظر پلان، گچبری‌ها، طاق‌ها، طاقچه‌ها و ورودی‌ها مشابهت زیادی با بنای روئه و فلاگوری دارد (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

بنای اربابی نویافته روئه

خوش گذرانی حاکمان محلی یا اشراف‌زادگان ساسانی بوده است (حسن پور، ۱۳۹۴: ۲۷۶) با توجه به نوع معماری و گچبری‌ها می‌توان ادعان نمود که این منطقه تأثیراتی از تیسفون پایتخت ساسانیان و محوطه‌های همجوار دارد. البته این تأثیرپذیری تا قرن‌ها بعد از فروپاشی تمدن ساسانی در محوطه‌های دیگر نیز دیده می‌شود (پیشین: ۲۷۵).



تصویر شماره ۲: کوشک قلاگوری؛
مأخذ: حسن پور، ۱۳۹۵: ۴۱

بنای لار سیمره

در محوطه لار، تالار ستون‌داری با دیوارهای قطور از سنگ با ملات گل به دست آمد. مهم‌ترین ویژگی این بنا به کارگیری ستون است، به گونه‌ای که در کناره‌های فضا و حاشیه دیوارها تعبیه شده‌اند (تصویر شماره ۳). سنت استفاده از این شیوه ستون‌سازی در بناهای اواخر ساسانی مانند تخت سلیمان و قصر شیرین نیز گزارش شده. با توجه به بقایای سفالی به نظر می‌رسد این فضاها مربوط به اواخر دوران ساسانی باشند که در قرون دوم و سوم هجری به صورت متناوب مورد استفاده قرار گرفته‌اند (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۹).

محوطه مسکونی چم‌روته

نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه چم‌روته در حوضه رودخانه سیمره منجر به شناسایی بخشی از معماری و مواد فرهنگی دوران ساسانی و اوایل اسلامی گردید. این محوطه وسعتی حدود چهار هکتار دارد و بقایایی از ساختمان‌ها در ضلع غربی و شرقی آن به دست آمده است. در بخش غربی چم‌روته بقایای ساختمانی سنگی با کف قلوه سنگی گچ‌اندود پدیدار شد. ضلع شمالی و شرقی بنا را ساختارهای خشکه‌چین با کاربری فضای آشپزخانه‌ای در بر گرفته است. بر اساس مواد فرهنگی از جمله سفالینه‌ها، این محوطه متعلق به دو دوره فرهنگی ساسانی و اوایل اسلامی است (تصویر شماره ۴). مصالح به کار رفته مشتمل بر لاشه سنگ و قلوه سنگ است که در طبیعت منطقه و به دلیل مجاورت با رودخانه سیمره به وفور یافت می‌شود (تصویر شماره ۵).

در نیمه شرقی محوطه، بقایای ساختمانی دیگر با پلان مستطیل در جهت شمال شرقی-جنوب غربی به دست آمد که فضایی حدود

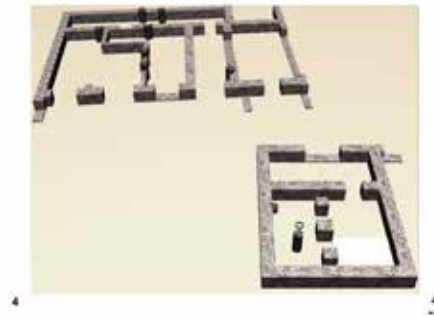
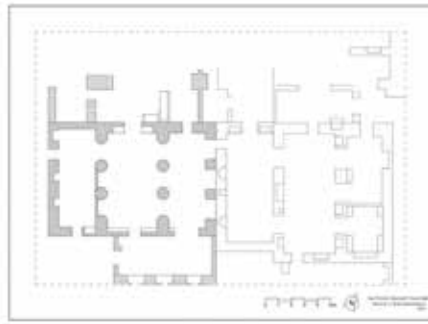
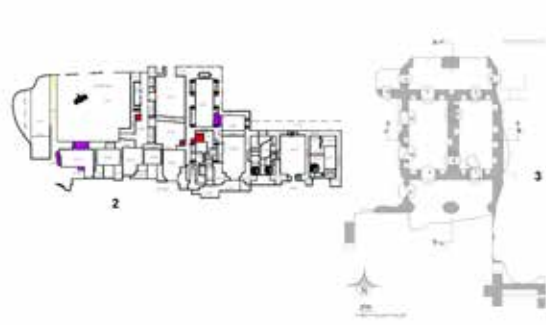
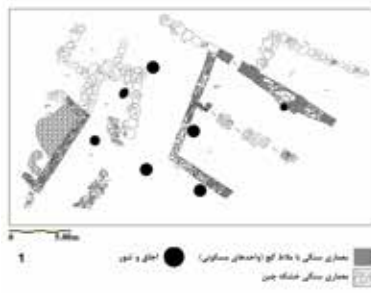
در نتیجه کاوش‌های روئه بقایای خانه اربابی به دست آمد (تصویر شماره ۱). مصالح به کار گرفته شده در این بنا عمدتاً تخته سنگ‌های رودخانه‌ای و قلوه‌ای به همراه ملات گچ بوده است. خانه اربابی روئه از سه تالار مرکزی، شرقی و غربی در کنار هم تشکیل شده که به یکدیگر راه دارند. جرزهایی که روبه‌روی هم هستند تویزه‌ها را حمل می‌کرده‌اند و بین آنها طاق زده شده است. با توجه به شناخت معماری این دوره، می‌توان گفت این سبک معماری متعلق به ادوار میانه و یا پایانی دوره ساسانی بوده و پوشش سقف تالارهای شرقی و غربی با توجه به انباشت قطعات دارای قوس می‌توانسته با طاق آهنگ پوشانده شده باشد (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۷).



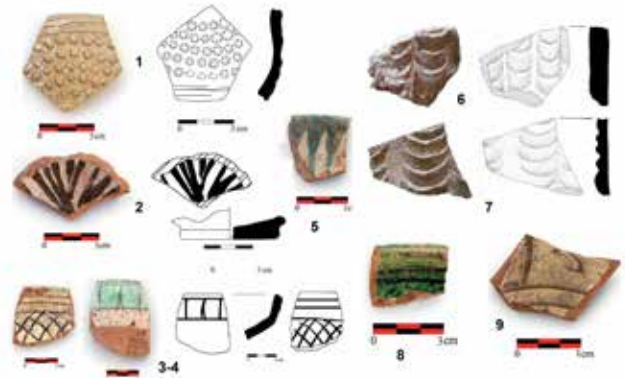
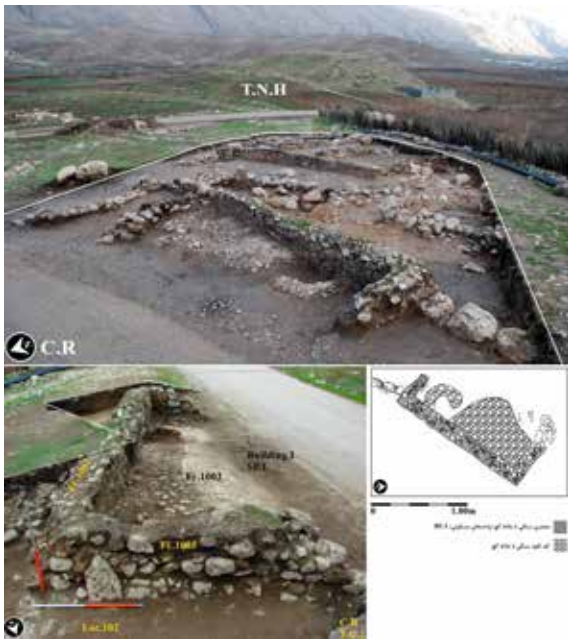
تصویر شماره ۱: نمایی از خانه اربابی روئه؛
مأخذ: نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴۰

کوشک قلاگوری رماوند

کاوش‌های محوطه قلاگوری در حوضه رودخانه سیمره منجر به شناسایی کوشک یا قصر کوچک ساخته شده از سنگ و ملات ساروج گردید (تصویر شماره ۲). کوشک قلاگوری دارای تالار ستون‌دار و طاقچه‌های متعدد و متقارن بوده که پلاک‌های گچی منقوش و کتیبه‌های سفالی دارای نوشته به خط پهلوی ساسانی از آن به دست آمده است. این منطقه به عنوان پناهگاهی امن در مواقع خطر و همچنین تفریح‌گاه مناسبی برای شکار و



تصویر شماره ۳: پلان قلاگوری، دره شهر، چم روتنه، لار، رونه؛
 مأخذ: حسن پور، ۱۳۹۵؛ فریادیان، ۱۳۸۸؛ شریفی، ۱۳۹۵؛ مترجم، ۱۳۹۴ و نیاکان، ۱۳۹۸



تصویر شماره ۴: شماره ۶-۷ سفال ساسانی، شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۸، ۹،
 متعلق به اوایل اسلام؛ مأخذ: نگارنده

تصویر شماره ۵: نمای کلی ساختمان ضلع غربی شماره ۱؛
 مأخذ: نگارنده

و ملات گچ است (لک پور، ۱۳۸۹: ۲۰). خانه اربابی دره شهر بنایی مستحکم است که شامل طاق‌های هلالی، طاقچه‌ها، طاق نماها، نیم‌ستون‌ها و همچنین دارای گچبری‌های بسیار نفیس می‌باشد (فریادیان، ۱۳۸۸: ۲۷۹).

سفال

طی کاوش‌های چم روتنه (شریفی، ۱۳۹۵)، دره شهر (لکپور، ۱۳۸۹؛ فریادیان، ۱۳۸۸)، لار (مترجم، ۱۳۹۴) و رونه (نیاکان، ۱۳۹۸) قطعات شاخصی از سفالینه‌هایی به دست آمد که از گونه نخودی با پوشش

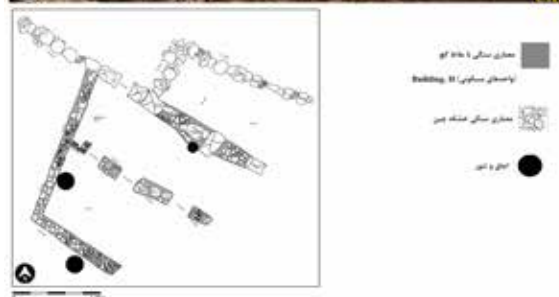
۱۵۰ متر را در بر گرفته است (تصویر شماره ۶). دیوارها از مصالح قلوه سنگ با ملات گچ ساخته شده و دارای اندود گچی است.

شهر ایرانی-اسلامی دره شهر

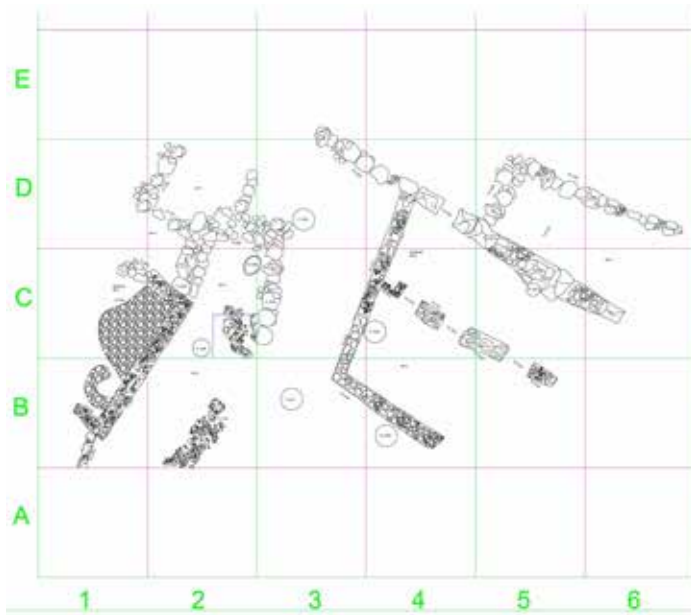
دره شهر از شهرهای مهم ساسانی و اوایل اسلامی در کنار رودخانه سیمره است. محققان معتقدند این شهر و قلعه‌های آن را خسرو دوم به منظور محافظت از خانواده‌اش بر اثر تهدیدات دشمنان تأسیس کرده است (Rawlinson, 1839). بسیاری از مورخان بنای این شهر را به دوره ساسانی نسبت داده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰) که نویافته‌های سال‌های اخیر بر این امر صحنه می‌گذارد. این شهر که از دل کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، شامل مسجد و کاروانسرا مربوط به دوره اسلامی و خانه‌های اعیانی و مسکونی مربوط به دوره ساسانی است (تصویر شماره ۷). یکی از خانه‌های اعیانی مکشوفه وسعتی حدود ۱۱۹۶ متر دارد. مصالح آن لاشه سنگ



تصویر شماره ۷: گچبری‌های مکشوفه از کاوش باستان‌شناسی دره‌شهر؛
ماخذ: فریادیان، ۱۳۸۸



تصویر شماره ۶: پلان معماری واحد شماره دو؛
ماخذ: نگارنده



تصویر شماره ۸: عکس هوایی، پلان و سه‌بعدی چم‌روته؛ ماخذ: نگارنده



تصویر شماره ۹: سفال ساسانی و اوایل اسلام دره‌شهر؛
ماخذ: فریادیان، ۱۳۸۸

گلی و تزئینات نخلی، طنابی، افزوده و انگشتی بودند. گاه‌نگاری و گونه‌شناختی این سفالینه‌ها حاکی از آن است که از نظر زمانی در طیفی از اواخر ساسانی و اوایل اسلامی قرار می‌گیرند (تصویر شماره ۹) و از مهم‌ترین مدارک در خصوص انتقال از دوره اواخر ساسانی به اوایل اسلامی هستند.

مقایسات تطبیقی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد مطالعات جدید دره سیمره منجر به شناسایی خانه‌های اربابی از دوران ساسانی گردید که بعضاً تا دوره اسلامی نیز تداوم استقرار داشته‌اند. لازم به ذکر است از بین بناهای

لذا وجود چنین طاقچه‌هایی برای گذاشتن وسایل روشنایی همچون شمعدان و پیه‌سوز الزامی بوده است (حسن پور، ۱۳۹۵: ۵۲). در این بنا طاقچه‌ها قوس دار هستند (پیشین: ۵۵).



تصویر شماره ۱۰: طاقچه مکشوفه از فلاگوری و دره شهر؛
ماخذ: حسن پور، ۱۳۹۵

۵- تالار ستون‌دار

در کاوش‌های باستان‌شناسی حوزه سیمیره صرفاً در دو بنای اربابی روئه و لار، تالار ستون‌دار به دست آمد. تالار روئه دارای ستون‌های گرد ساخته شده از سنگ و ملات گچ بوده است. همچنین به دلیل وجود قطعات بزرگ گچبری دارای قوس و شناسایی آن و عرض ورودی‌ها به نظر می‌رسد بخش‌های ورودی بنا مزین به این قوس‌های تزئینی بوده که بسیار جالب توجه است. این روش در اکثر بناهای منطقه غرب از دوره اشکانی تا به امروز متداول بوده است؛ از جمله این بناها می‌توان به بناهای دوره اشکانی، از جمله گنبد قلعه یزدگرد و قلعه خسرو اشاره کرد (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۹). ستون‌های به کار برده شده در تالار ستون‌دار لار مدور و مستطیل است. ستون‌ها عمدتاً در کناره‌های فضا و در حاشیه دیوارها ساخته شده‌اند (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

۶- مصالح ساختمانی

در خصوص مصالح ساختمانی، هوف اظهار می‌دارد که معماری ساسانی با استفاده گسترده از سنگ تراشی، ملات و تکنیک‌های انعطاف پذیر آن مشخص می‌شود (Huff, 1987: 2011). مصالح به کار رفته در محوطه‌های سیمیره نیز مشتمل بر قلوه سنگ است که در طبیعت منطقه و به دلیل مجاورت با رودخانه سیمیره به وفور یافت می‌گردد. در این ساختمان‌ها از ملات گچ استفاده شده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین ملات مورد استفاده در دوره ساسانی ملات گچ و ساروج باشد که در ساخت بناها به کار گرفته شده است (Huff, 1987: 329). در روئه جزه‌هایی که رویه‌روی هم هستند تویزه‌ها را حمل می‌کرده‌اند و بین آن‌ها طاق زده شده است (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۷). با توجه به شناخت معماری این دوره می‌توان گفت این نوع سبک معماری متعلق به ادوار میانه و پایانی دوره ساسانی است که تا دوره اوایل اسلامی نیز مورد استفاده بوده است. طبق استدلالات پیش گفته و در مجموع باید گفت محوطه‌های سیمیره اهمیت زیادی دارند و در متون بی‌شماری از آن نام برده شده. این منطقه در دوره ساسانی دارای عظمت و شکوه بوده و پس از فروپاشی حکومت ساسانی محلی امن و پناهگاهی برای

کاوش شده صرفاً چم‌روئه بنایی مسکونی و روئه، فلاگوری، لار و دره‌شهر خانه اربابی هستند. در این قسمت به تحلیل و مقایسه عناصر معماری بناهای مکشوفه با یکدیگر می‌پردازیم. دلیل این امر مجاورت محوطه‌ها در منطقه سیمیره و تشابه ساختاری و همزمانی آنهاست. از خصوصیات بناها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- مصالح معماری

همه بناهای سیمیره با مصالح قلوه سنگ همراه با ملات گچ و ساروج ساخته شده که در کتب تاریخی نیز به آن اشاره شده است. این مصالح در بناهای شاخص ساسانی نیز به کار گرفته شده است (Huff, 1987: 329).

۲- کف‌سازی

دره‌شهر دارای کف‌سازی بسیار ضخیم و مستحکمی است. کف گچی پس از یک مرحله زیرسازی از سنگ و ملات گچ و یک رج گچ مجدداً با سنگ و ملات گچ زیرسازی گردیده و در انتها با اندود ضخیم گچی، پوشیده شده است (فریادیان، ۱۳۸۸: ۷۲). در کف‌سازی چم‌روئه از تکنیک مصالح قلوه سنگی با اندود گچ استفاده نموده‌اند. در بنای فلاگوری رماوند کف فضاها شامل خاک کوبیده، قلوه سنگ و چند لایه گچی است. از آنجا که توالی و روی هم قرار گرفتن لایه‌های خاک و گچ، بستر محکم و مناسبی برای کف‌سازی نیست و پس از مدتی به علت عدم چسبندگی مناسب این دو لایه، کف از هم گسیخته می‌شود، سازندگان بنا از قلوه‌سنگ به عنوان عنصر واسطی جهت چسبندگی بهتر بین دو لایه بهره‌جسته‌اند و به ساختاری با انسجام نسبی در کف‌سازی دست یافته‌اند (حسن پور، ۱۳۹۵: ۵۲).

۳- ورودی بناها

در چم‌روئه چهار جرز تعبیه گردیده بود. حد فاصل بین جرزها را سه ورودی تشکیل می‌دهد که امکان دسترسی دو فضا را میسر می‌سازد. ارتفاع جرزها یک متر است. عرض ورودی ساختمان‌های چم‌روئه بین ۰۰۷۰ متر تا ۰۰۹۰ متر است. در حالی که عرض ورودی‌ها در بنای فلاگوری بین ۷۰-۱۵۵ cm و بزرگ‌تر است. نکته جالب توجه اینکه بین کلیه بناها، صرفاً در دره‌شهر ورودی‌ها تزئین شده‌اند و فرمی هندسی در جلوی این اتاق‌ها تعبیه شده تا معمار در تمامی اتاق‌های این مجموعه از این شیوه برای زیباسازی اتاق‌ها استفاده نماید.

۴- طاقچه

استفاده از طاقچه در بناهای فلاگوری، دره‌شهر و روئه متداول بوده و طاقچه‌هایی با ابعاد مختلف در جداره‌ها، گاه منفرد و گاه به صورت قرینه جای گرفته‌اند (تصویر شماره ۱۰). در بنای اربابی روئه دو طاقچه با پوشش نیم گنبدی به صورت قرینه تعبیه گردیده بود (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۸). در دره‌شهر طاقچه‌ها به صورت مخروطی بوده و در ساخت طاقچه از گچ استفاده نموده‌اند (فریادیان، ۱۳۸۸: ۷۸). در بنای فلاگوری رماوند فضاها این بنا فاقد پنجره و نور کافی بوده؛

شاهزادگان رانده شده ساسانی بوده است (Zakeri, 1995: 96). وجود پراکندگی محوطه‌های ساسانی که تا دوره اسلامی تداوم استقراری در آنها برقرار بوده، گواه این مدعاست.

خانه‌های اربابی مربوط به دوره ساسانی و صدر اسلام در خارج از مرزهای سیاسی ایران نیز به دست آمده که مشابهت‌های نزدیکی از نظر پلان با سیمره دارند؛ زیرا موقعیت جغرافیایی سیمره حاکی از رویارویی مسیر ارتباطی بین‌النهرین و نقش سیمره در گذر از این منطقه به لرستان و سپس تیسفون بوده است؛ از جمله می‌توان به خانه اربابی تیسفون اشاره نمود. معماری خانه‌های تیسفون طرح ساده شده کاخ‌ها هستند و اغلب شامل یک حیاط و ایوانی در یک ضلع و یا دو ایوان متقابل اند. خانه‌های طبقات مرفه‌تر فضاهای بیشتری داشته و ایوان در چهار ضلع حیاط جای می‌گرفت و نقشه چهار ایوانی را شکل می‌داد (روتز، ۱۳۸۷: ۶۸۷-۶۹۰). این خانه‌ها دارای حیاطی بزرگ و فضاهایی در اطراف هستند (Azarnoush, 1994: 91) و پلان آنها مربع یا مستطیل است (Reuther, 1938: 549). از دیگر خانه‌های مسکونی اواخر ساسانی و اوایل اسلام می‌توان به المعارید اشاره نمود (Reuther, 1939: 547). همچنین مشابه این بناها در تل ابوسریفه، دیوانیه در نیپور عراق و تل ذهب نیز به دست آمده (Adams, 1970: 87). لازم به ذکر است تداوم نقشه چهار ایوانی و حیاط‌های بزرگ را در بناهای اسلامی از جمله مساجد، مدارس و کاروانسراها مشاهده می‌کنیم. پلان‌های بناهای تیسفون و استفاده از طاق‌های هلالی، مشابهت زیادی با سیمره دارند. همچنین با توجه به ارتباط سیمره با شهر

تاریخی سیروان، کرمانشاه و تیسفون در غرب و مناطق ماسبدان و شاپورخواست در شرق، به نظر می‌رسد سیمره نقش بسزایی در تاریخ دوره ساسانی ایفا کرده است. شواهد به دست آمده از کاوش‌های اخیر نشان می‌دهد که منطقه سیمره یک حاکم‌نشین محلی یا یک قدرت منطقه‌ای بوده است. یکی از مهم‌ترین شواهدی که نشان‌دهنده تداوم استفاده بناها در اوایل اسلام است سفالینه‌ها هستند که در اکثر بناهای ذکر شده به دست آمده‌اند.

در مجموع باید گفت دوران ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران به لحاظ ابداع آثار هنری و معماری است که خود زمینه ایجاد برخی تحولات عمده اجتماعی، سیاسی و مذهبی گردید. به واقع با تشکیل سلسله ساسانی قدرت و عظمت پارسی بعد از دوران یونانی مآبی به ایران بازگشت. مطالعات زیادی در خصوص دوره ساسانی مخصوصاً کاخ‌ها صورت گرفته، اما اطلاعات جامعی در خصوص بناهای اعیانی علی‌الخصوص در زاگرس مرکزی وجود ندارد؛ لذا در این مقاله با توجه به نوبافته‌های حاصل از مدارک و شواهد باستان‌شناسی کشف شده سال‌های اخیر دره سیمره، به چگونگی و تبیین شیوه‌های معماری ساسانی پرداخته و ویژگی‌های آنها را مورد بررسی قرار دادیم. بسیاری از شهرها و محوطه‌های ساسانی پس از تسلط اعراب به سکونت خود ادامه دادند و حتی تا سده‌های میانی اسلامی مورد استقرار متناوب قرار گرفتند. استقرارهای حوضه رودخانه سیمره از آن جمله است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های بناهای نوبافته دره سیمره

نام محوطه	ورودی بناها	پوشش سقف	طاقچه	ابعاد
بنای اربابی روتز	ورودی بنا مزین به قوس‌های تزئینی	طاق آهنگ	نیم گنبدی و به صورت قرینه	۲۷۰ × ۳۶۰ (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۳)
کوشک فلاگوری رموند	عرض ورودی‌ها: ۷۰-۱۵۵ سانتی متر	طاق گهواره‌ای با قوسی بیضی شکل و سنگ لاشه نتراشیده و ملات گچ نیم کوب نیم پخت	طاقچه‌هایی با ابعاد مختلف به صورت فضایی مکعب شکل و بدنه‌های قوس دار	ابعاد ۸۷۴ × ۲۳۲ سانتی متر (حسن پور، ۱۳۹۶: ۴۱)
بنای اربابی لار	ضلع جنوبی	تخریب شده	طاقچه در دیواره شمالی دارای ستون از مصالح قلوه سنگ و گچی	۲۵۵ × ۴۷۵ سانتی متر (مترجم، ۱۳۹۴)
محوطه چم‌روته	عرض ورودی‌ها: ۰۰.۷۰ - ۰۰.۹۰ m	مسطح	طاقچه کوچکی به شکل مستطیل	ضلع غربی: ۲۳ متر. ضلع شرقی: مساحت بیرونی و داخل حدود ۱۰۷ و ۲۲.۹۲ متر (شریفی، ۱۳۹۵)
شهر ایرانی - اسلامی دره شهر	ضلع جنوبی	طاق‌های هلالی و استفاده از قالب‌های گچی، طاق‌های قرینه بر روی دیوارها	طاقچه‌های متعدد بر دیوارهای بنا	۵۰۰ متر مربع (فریادیان، ۱۳۸۸)

بین رفتن حکومت مرکزی، مسلمانان فاتح برای مقابله با پادشاهان کوچک، شاهزادگان و حاکمان محلی مبارزه نمودند و سرانجام موفق گردیدند.

یکی از این دلایل می‌تواند حضور شاهزادگان ساسانی باشد که دره‌های سیمره را محلی امن یافته و به دنبال تجدید حیات و کسب قدرت از دست رفته ساسانی بودند، فرصتی که هیچ‌گاه به دست نیامد و در نهایت پس از سقوط امپراتوری ساسانی و از

نتیجه‌گیری

یکی از نشانه‌های تحول جمعیتی و اجتماعی زاگرس مرکزی، افزایش شمار استقرارهای ساسانی در منطقه است، به طوری که تنها در دره سیمره بیش از ده محوطه استقرار شناسایی و بخش‌های کوچکی از بناها توسط کاوش‌های باستان‌شناسی از دل خاک نمایان شده‌اند. این محوطه‌ها افزون بر شهرهای مهم‌تری هستند که در متون تاریخی به وجود آنها اشاره شده است. ممکن است این محوطه‌ها مربوط به زمان بعد از تهدیداتی باشند که اعراب برای حکومت ساسانی ایجاد کرده‌اند. وجود محوطه‌های عظیم این دوره در سیمره و در خط شهر باستانی دره شهر، وجود یک مجموعه مواصلاتی از شهرها و دژها را در این محدوده تأیید می‌نماید. در منطقه سیمره خصوصاً نقاط دور افتاده محوطه‌های تک دوره ساسانی به وفور دیده می‌شود که این امر نشان‌دهنده یک نوع مهاجرت است. در ساخت تمامی سازه‌ها نوعی شتاب و عجله دیده می‌شود از جمله در جرزبندی‌ها و عدم استحکام دیوارها و شاید بتوان آن را یک معماری اواخر ساسانی یا دوره انتقالی از ساسانی به اوایل اسلامی قلمداد نمود که پس از ورود اسلام به ایران این بناها همچنان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مواد فرهنگی محوطه‌ها از جمله سفالینه‌ها نشان از تداوم استقرار تا دوران اسلامی دارد، تا زمانی که زلزله مهیب باعث نابودی و ویرانی کلیه این بناها گردید.

در این مقاله تلاش شد خانه‌های اربابی نویافته ساسانی-اسلامی سیمره مورد بررسی قرار گیرند. یکی از دلایلی که ما این بناها را خانه اربابی می‌نامیم این است که از نظر وسعت از خانه‌های مسکونی بزرگ‌تر بوده و همچنین دارای گچبری‌های نفیسی هستند که در خانه‌های مسکونی استفاده نمی‌شده است. به نظر می‌رسد بناهای باشکوه و فاخر معرفی شده در این مقاله متعلق به حاکم‌نشینانی بوده که تحت لوای حکومت ساسانی در حوزه غرب قرار داشته‌اند. به علت نزدیکی به مراکز غرب و تیسفون، سیمره از مراکز ثقل جمعیتی بوده و به عنوان محلی برای استقرارهای ساسانی مورد توجه واقع شده است. با عنایت به آنچه که از کاوش‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر به دست آمده، می‌توان سبک معماری سیمره را به دلیل مجاورت با رودخانه استفاده از مصالح سنگی و ملات گچ برشمرد. یکی از ویژگی‌های طبیعی سیمره دسترسی به منابع زیست‌محیطی است که در کنار رودخانه قرار دارد که هم از منابع آبی استفاده شده و هم پتانسیل مناسبی برای دامداری داشته است. با توجه به مستندات موجود به نظر می‌رسد خانه‌های اعیانی سیمره ویژگی‌های مشترکی در عناصر معماری از جمله پلان‌های مستطیل شکل، طاق‌های هلالی و طاقچه‌ها دارند. تقارن، یک عامل مشترک در کلیه بناهاست. ورودی آنها در یک امتداد قرار گرفته و علی‌رغم تکنیک‌های بالای معماری، به کارگیری مصالح نامرغوب در این محوطه‌ها تا

سده‌های اولیه اسلامی دیده می‌شود که دلیل دیگری بر شتابزدگی در ساختن آنهاست و در نهایت در حدود نیمه قرن دوم هجری تماماً برای همیشه متروک می‌گردند.

لازم به ذکر است سیمره منطقه‌ای دلتایی و رسوبی و البته محدود است و به صورت تنگه‌های بریده می‌باشد و در عین حال تردد از یک تنگه به تنگه دیگر مشکل است. عرض تنگه‌ها کم است و گاهی در قسمت‌هایی که عرض دره‌ها بیشتر می‌شود موجب رشد کشاورزی می‌گردد؛ لذا باعث تشکیل مجموعه بافت‌های روستایی شده و در حاشیه آن خانه‌های مسکونی شکل گرفته و در کنار آن، خانه‌های بزرگی ساخته شده که در ادبیات باستان‌شناسی به عنوان خانه‌های اربابی مطرح می‌شوند. بنابراین موجب شکل‌گیری الگوهای تطبیقی بین معماری و محیط زیست شده است. در پایان باید به این نکته اشاره نمود که در دوره شکوفایی اسلامی هیچ استقراری در این منطقه دیده نمی‌شود؛ لذا با توجه به مواد فرهنگی از جمله سفالینه‌ها، از بناهای دره سیمره به عنوان دوره انتقالی به دوره اسلامی یاد می‌کنیم.

فهرست منابع و مراجع

1. استارک، فریا (۱۳۶۴)، **الموت**، لرستان و ایلام، ترجمه علی محمد ساکی، انتشارات علمی، تهران.
2. ابن حوقل، محمد (۱۳۴۵)، **صورة الارض**، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
3. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۷۰)، **المسالك و الممالك**، ترجمه حسین قره چانلو، نشر نو، تهران.
4. ابوالفدا، عمادالدین اسماعیل (۱۳۴۹)، **تقویم البلدان**، ترجمه آیتی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
5. آوزرمانی، فریدون (۱۳۷۰)، «شهرهای ایران در زمان ساسانیان»، **ماهنامه فروروز**، شماره ۳۲۷، صص ۹-۲۲.
6. حسن پور، عطا (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر معماری بنای قلا گوری»، **مجله اثر**، شماره ۷۴، صص ۳۷-۶۰.
7. حسن پور، عطا (۱۳۹۴)، «مقایسه تطبیقی گچبری‌های بدست آمده از کاوش فلاگری راموند»، **مقالات همایش سیمره. پژوهشگاه میراث فرهنگی**، صص ۲۶۳-۲۷۸.
8. دمرگان، ژان ژاک (۱۳۳۹)، **جغرافیای غرب ایران**، ترجمه کاظم ودیعی، انتشارات چهر.
9. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۴)، **اخبار الطوال**، ترجمه محمود مهدوی، انتشارات نی، تهران.
10. راولینسون، سر هنری (۱۳۶۲)، **گذر از ذهاب به خوزستان**، ترجمه سکندر امان‌اللهی، انتشارات آگاه.
11. روتر، اسکار (۱۳۸۷)، **تاریخچه معماری دوره ساسانی**، به کوشش آرتور پوپ و فیلیس اکرم، علمی و فرهنگی، صص ۶۳۹-۷۱۰، تهران.
12. سیایور، مرتضی و قبادی، حسین (۱۳۷۸)، «بهمن سنگی سیمره، ابر زمین لغزش شناخته شده جهان»، **زمین‌شناسی و محیط زیست**، صص ۱۰۹-۱۱۵.
13. سرفراز، علی اکبر (۱۳۶۶)، **بیشاپور در شهرهای ایران**، جلد ۲، به کوشش محمد یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، صص ۲۲-۷۴، تهران.

۱۴. شایان، سیاوش (۱۳۸۳)، «شواهد ژئومورفولوژیکی در سن سنجی زمین لغزش بزرگ سیمره»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، شماره ۱، صص ۷۰-۴۵.
۱۵. شمیمان، کلاوس (۱۳۸۴)، **مبانی تاریخ ساسانیان**، ترجمه کیکاوس جهاناداری، انتشارات فروزان، تهران.
۱۶. شریفی، مهناز (۱۳۹۵)، **گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی چم روته**، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی.
۱۷. علیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰)، «عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان»، **فصلنامه مطالعات ایرانی-اسلامی**، شماره ۳، صص ۷۱-۷۶.
۱۸. فریادیان، بهزاد (۱۳۸۸)، **کاوش‌های دره‌شهر**، گزارش منتشر نشده، پژوهشکده باستان‌شناسی.
۱۹. کریستین سن، آرتور (۱۳۸۵)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات معاصر.
۲۰. گیرشمن، رمان (۱۳۷۰)، **هنر ایران در دوران پارت و ساسانی**، ترجمه بهرام فره‌وشی، انتشارات علمی، فرهنگی.
۲۱. لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹)، **کاوش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر سیمره**، انتشارات پازینه.
۲۲. لسترینج، گی (۱۳۷۷)، **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی-فرهنگی، تهران.
۲۳. مالکی، ا و بحرالعلوم، فرانک (۱۳۸۷)، «معرفی دو پارینه زمین لغزه در منطقه سیمره»، **دهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران**، دانشگاه تهران.
۲۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد (۱۳۶۱)، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، ترجمه علی‌نقی منزوی، مؤلفان و مترجمان ایران.
۲۵. محمدی‌فر، یعقوب و میرصفدری، شراره (۱۳۹۳)، «سبک‌شناسی معماری هخامنشی»، **فصلنامه مطالعات ایرانی-اسلامی**، شماره ۱۶، صص ۱۹-۲۸.
۲۶. محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۹۴)، «کاوش قلعه سیرم شاه»، **مقالات همایش سیمره. میراث فرهنگی**، صص ۲۱۹-۲۳۵.
۲۷. مترجم، عباس (۱۳۹۴)، «کاوش لار»، **مقالات همایش سیمره**، میراث فرهنگی، صص ۲۰۰-۲۱۰.
۲۸. محمدی، مریم (۱۳۹۰)، «مطالعه گونه‌شناسی، عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی»، **پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۴.
۲۹. نیساکان، لیلی (۱۳۹۸)، «بنای ساسانی روتنه بر کرانه‌های سیمره»، **پژوهش‌های باستان‌شناسی**، صص ۱۲۹-۱۴۸.
30. Adams, Robert, MC, (1970), **A Sasanian –Islamic sequence from south central Iraq**, *Ars Orientis* 8, 80-119.
31. Azarnoush, Massoud, (1994), **The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran**, Monografie di Mesopotamia III, Florence, and Casa.
32. Bloom, A. L, (1978), **Geomorphology, a Systematic Analysis of Late Cenozoic Landforms**, New Jersey: Prentice Hall.
33. Boyce, Mary (1975), "A History of Zoroastrianism (Handbuch der Orientalistik Series)", Leiden: Brill; Repr, **A History of Zoroastrianism: Vol 1, The Early Period**.
34. Christian, David (2000), "Silk Roads or Steppe roads?", **journal of world history** 11, No 1, 1-26.

New discoveries Architecture from the Late Sassanid and Early Islamic period in the Seimare River Basin(Central Zagros)

Mahnaz Sharifi *(Corresponding Author)

Assistant Prof, Iranian Center for Archaeology Research

* mhsharifi588@yahoo.com

Abstract:

The Sassanid dynasty gradually changed its political focus from Fars to the open and strategic land of Mesopotamia during the Middle and Late reign of Shapur II. Definitely, the purpose of this power transfer was to dominate the western borders and the fertile lands of Iraq and Khuzestan. The Central Zagros valleys were highly considered as the closest highlands to the political center during this period for the reasons including being located in the highway linking the imperial center with the political center, and its fertility and environmental diversity. The presence of the settlements from the Sassanid period with relatively higher densities than the environmental capability, being located in inaccessible natural valleys, being away from the main communication routes, and most importantly establishing them simultaneously. (so that all of these areas were on pristine soil and not built for the continuation of previous settlements) .the archaeological evidence that demonstrate these centers as the remnants of Sasanian armies that had been active in the dispersed resistance and continued artistic and architectural life beyond the reach of Muslims. New archaeological excavations led to viewing a part of the architectural remains of aristocratic luxurious houses and residential homes. In addition to evaluating the functionality and age of the newly-explored sites, we consider questions such as how to link between the contemporaneous master buildings in the Simare area in this paper. The results indicated the continuation of the settlements from the Sassanid period until the early Islam; the pottery evidence strongly support this dating as well. Thus, this paper attempts to answer the question that “what is the function of the obtained architectural remains and to what period do they belong?” The present research has been based on the archaeological excavations in recent years, trying to explain architectural works with a descriptive-analytical approach.

Keywords: luxurious houses, seimare valley, central zagros, Sassanid Islamic Architecture .